

۲۰۱۵۷۷۹

بسم الله الرحمن الرحيم

مجموعه رویدادها و تحلیل‌های حقوق بشری

(رویدادها)

عطیه قشونی

پاییز ۱۳۹۸

سرشناسه: قشونی، عطیه، ۱۳۶۶-

عنوان و نام پدیدآور: مجموعه یادداشت‌ها و تحلیل‌های حقوق بشری (رویدادها)/عطیه قشونی؛ ویراستار ساناز گودرزی.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات موسسه صیانت از حقوق زنان، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۱۲۲ص.

شابک: ۲۰۰۰۰۰ ریال: ۵-۰۹۶۴۵۹۲-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: حقوق بین‌الملل و حقوق بشر

موضوع: International law and human rights

موضوع: حقوق بشر

موضوع: Human rights

موضوع: تعهدات بین‌المللی

موضوع: International obligations

موضوع: دخالت (حقوق بین‌الملل)

موضوع: Intervention (International law)

شناسه افزوده: گودرزی ساناز، ۱۳۹۳-، ویراستار

شناسه افزوده: موسسه صیانت از حقوق زنان

رده بندی کنگره: KZ۱۲۶۶

رده بندی دیویی: ۳۴۱/۴۸

شماره کتابشناسی ملی: ۶۰۵۲۶۸۶



مجموعه یادداشت‌ها و تحلیل‌های حقوق بشری (رویدادها)

نویسنده: عطیه قشونی

ویراستار: ساناز گودرزی

طراح جلد و صفحه‌آرا: عاطفه قشونی

تاریخ نشر: ۱۳۹۸

قطع و تیراژ: وزیری، ۵۰۰ عدد

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

شابک: ۵-۲-۹۶۴۵۹۲-۶۲۲-۹۷۸

پیشگفتار

مسئله نقض حقوق بشر و تجاوز به حقوق و آزادی‌های اساسی انسان، به‌ویژه از سوی دولت‌ها و قدرت‌های حاکم نسبت به افراد تحت حکومتشان و راه حل‌های موثر جلوگیری از این وضع و تضمین حمایت از حقوق افراد، یکی از نگرانی‌ها و دغدغه‌های مهم نظام بین‌المللی امروز است. جامعه جهانی امروز، پس از مقطع جنگ جهانی دوم و تشکیل سازمان ملل متحد، بر اساس منشور ملل متحد به یکسری از حقوق و آزادی‌ها، وصف مقبولیت بین‌المللی بخشیده و با وجود اختلاف در نظام حکومتی و رعایت استقلال همه دولت‌ها، از آنها می‌خواهد که آن حق ادعاهای انسانی را در قالب حقوق بشر رعایت کنند و به آنها احترام گذارند. بنابراین؛ علی‌رغم همه خوش‌بینی‌ها نسبت به حقوق بشر و امید به ایجاد دنیایی جدید، برخی مدافعان حقوق بشر اعتقادی به حقیقی بودن آن ندارند و بر این باورند که فقر و بیماری انسان‌ها را نابود می‌کند، فروش اسلحه از سوی مدافعین حقوق بشر به ناقضان حقوق بشر جریان دارد.

این روزها نقض آشکار حقوق بشر در پناه سکوت مرگبار، جامعه جهانی؛ در واقع، حکایت از مرگ انسانیت و کرامت انسانی مورد تأکید اعلامیه جهانی حقوق بشر دارد و وقایعی که در این روزها در جهان در حال وقوع است، حتی بیش از تضعیف آرمان‌های بشری است. سلب خودسرانه تابعیت، اعمال محدودیت‌های شدید بر رایج‌جایی و نقل مکان‌ها، تهدیدات جانی و امنیتی، سلب حقوق درمانی و تحصیلی، کار اجباری و تجاوز جنسی، جنایت جنگی، ایجاد و حمایت از نهاد تروریسم مدرن، جنایت علیه بشریت و نقض حقوق بشر دوستانه بخشی از این فجایع غیر انسانی است که در جهان در حال وقوع است. برخورد غیرمسئولانه و بی‌اثر سازمان‌های بین‌المللی با موضوع نقض آشکار حقوق بشر در این میان، بر این تراژدی می‌افزاید. آنچه در این وضعیت

تأسف‌بارتر است، سکوت مجامع بین‌المللی در برابر جنایاتی است که علیه مسلمانان انجام می‌پذیرد.

با توجه به این رویدادها و تحولات که همواره در جریان است، نوشتار پیش رو به تحلیل این رویدادها در قالب یادداشت‌های حقوق بشری پرداخته است.

www.ketab.ir

فهرست

۷	مقدمه
۱۳	آمریکا طلایه دار نقض حقوق بشر
۱۵	حقوق اقلیت‌ها در جمهوری اسلامی ایران
۲۰	گزارش تحلیلی جنبش جهانی سیاست محافظت از حقوق بشر کارگران جنسی
۲۳	حمایت تحت لوای جنایت
۲۴	نقض حقوق بشر در حال مناسبت
۲۷	جنایت داعش علیه زندانیان خودکام و بی‌تحریکی مجامع بین‌المللی
۳۰	سیاست بی‌طرفانه مجامع بین‌المللی در قتل عام مردم نیجریه
۳۴	محدودیت صدور روایید و بلوکه کردن سوال ایران
۳۶	سلب حق حیات شیخ نمر
۴۰	سکوت مجامع بین‌المللی در مقابل جنایت علیه بشریت در یمن
۴۲	چشم‌پوشی سازمان‌های بین‌المللی از نقض حقوق بشر در عربستان سعودی
۴۷	نقض حقوق پناهندگان در عصر حاضر
۵۶	نقدی بر گزارش سالیانه حقوق بشر آمریکا ۲۰۱۵
۶۰	آمریکا بزرگترین حامی تروریسم در عصر مدرن
۶۴	کودکان یمنی قربانیان دلار سعودی
۶۸	از حقوقی که ۱۴ قرن پیش اسلام ارائه کرد تا حقوق بشر منفعل غربی
۷۱	چرا تنها سکوت تو را حمایت خواهد کرد؟!
۷۴	احمد شهید گزارشگر ویژه ایران مزد خوش خدمتی خود را قبل از پایان مأموریتش گرفت!
۷۸	عضویت عربستان در شورای حقوق بشر سازمان ملل؛ نقض تمام قوانین بین‌المللی

- اعمال مجازات‌های جایگزین موادمخدر در صورت همکاری مجامع بین‌المللی و کشورها ۸۰
- ناقضان حقوق بشر بانی قطعنامه علیه ایران می‌شوند ۸۴
- پایبندی به رسم دیرین کودک‌کشی ۸۹
- بازگشت به آموزه‌های اسلام، راه تحقق عدالت اجتماعی ۹۳
- نفوذ تروریست‌ها در سازمان عفو بین‌الملل ۹۶
- «رونق تولید» نسخه شفابخش مقابله با تحریم‌های آمریکا ۹۹
- راستی‌آزمایی رسانه‌های بیگانه در پرونده نسرین ستوده ۱۰۲
- تروریست‌ها با قانون ضد تروریستی جنایت می‌کنند! ۱۰۴
- نقض آزادی بیان، اجزاء به خروج کشورهای اسلامی از اعلامیه قاهره ۱۱۱
- نقض آشکار حقوق بشر با سلام‌های سوئدی ۱۱۴
- حضور متفاوت ایران در «یو.پی.آر» ۱۱۸
- انعکاس وضعیت و پیشرفت‌های زنان ایران در نشست شورای حقوق بشر ۱۲۱

مقدمه

حقوق بشر، از ابتدایی ترین حقوق بنیادینی است که هر فرد به طور ذاتی و فطری از آن برخوردار می باشد. حقوق بشر متشکل از مجموعه ای از ارزش ها، مفاهیم، اسناد و سازوکارهایی است که موضوع آن حمایت از مقام و منزلت و کرامت انسانی بشر فارغ از عواملی مثل نژاد، جنسیت و ملیت است؛ همانطور که خداوند متعال فرموده است: «ای انسان ها! همه شما مردان و زنان را از یک مرد و زن آفریدیم؛ آنگاه شما را بصورت اقوام و نژادهای گوناگون قرار دادیم. اما بدانید این ها موجب امتیاز و برتری شما بر یکدیگر نمی شود، بلکه گرامی ترین و بزرگوارترین شما در نزد خدا باتقواترین و پرهیزکارترین شما است.»

قدمت حقوق بشر به قدمت تاریخ حیات بشری است. کما اینکه؛ قرن ها پیش در ادیان الهی به ویژه دین اسلام، حقوق بشر به شریعت عرضه شده است. متون اسلامی همواره حقوق افراد را در هر کجا که زندگی می کنند و در هر وضعیتی که قرار دارند، با یکدیگر مساوی اعلام کرده و به روشنی حقوق انسان ها را مطرح کرده است؛ قرآن و نهج البلاغه نیز مصداقی بر این ادعا است. هر چند حقوق بشر اصطلاحی جدید است، اما حضرت علمی (ع) حدود چهارده قرن پیش در دوران کوتاه حاکمیت خودشان به بیان اصول مبنایی حقوق بشر پرداخته است و این نشانه ریشه دار بودن حمایت از کرامت انسانی و حقوق انسان ها در فرهنگ و ادیان الهی به ویژه اسلام است.

بنابراین؛ مکاتب غربی مبتکر حقوق بشر نیستند؛ اما نظام بین المللی حقوق بشر دارای خاستگاه غربی است و متأثر از اندیشه ها و مکاتب خاص، در مقطعی ویژه از تاریخ به بار نشسته و در مجامع بین المللی نمودار شده است. نتیجه این نظام اعلامیه جهانی حقوق بشر است. این پیمان بین المللی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ در پاریس به تصویب رسیده است. این اعلامیه بعد از جنگ جهانی

دوم برای اولین بار حقوقی را که تمام انسان‌ها مستحق آن هستند، بصورت جهانی بیان می‌دارد. اعلامیه مذکور شامل ۳۰ ماده است و به تشریح دیدگاه سازمان ملل متحد در مورد حقوق بشر می‌پردازد. مفاد این اعلامیه حقوق بنیادین مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را که تمامی انبای بشر در هر کشوری باید از آن برخوردار باشند، مشخص کرده است.

نظام حقوق بشر که سازوکاری برای پاسداشت و حمایت از استیفای حق‌های بنیادین بشر می‌شود، امروزه با چالش‌های بنیادین روبرو است. این اعلامیه به بهانه دفاع از آزادی و حقوق اساسی انسان‌ها به تصویب رسیده، اما در نهایت به ابزار قوی نقض حقوق بشر توسط قدرت‌های استعماری تبدیل شده است. در ماده ۳۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین آمده است: «از هیچ‌یک از مندرجات این اعلامیه نباید به گونه‌ای استفاده شود که برای حکومت، گروه یا فردی، متضمن حقی برای انجام عملی با قصد از میان بردن حقوق و آزادی‌های مندرج در این اعلامیه باشد.» ولی طی سالیان گذشته به تدریج سیاستمداران، دولتمردان و حکومت‌هایی که با تفسیر حقوق بشر در جهت منافع خود، از این اعلامیه به عنوان یک ابزار فشار سیاسی بهره برده‌اند.

از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۹۰ میلادی، ضمیمه دیگری نیز به اعلامیه حقوق بشر افزوده شد و به عنوان کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض شناخته شد. کنوانسیون امحای تمام اشکال تبعیض علیه زنان، کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه شکنجه، کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت و کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌شان نیز به تصویب کشورهای مختلف رسید؛ اما این پیمان‌ها، اعلامیه‌ها و میثاق‌های بین‌المللی، نه فقط از حجم مشکلات جهانی در حوزه حقوق بشر کم نکرد، بلکه قدرت استفاده ابزاری از مفهوم حقوق بشر در مناسبات بین‌المللی را افزایش داد و باعث شد در یک نقض آشکار، عدم پایبندی برخی دولت‌ها

به اعلامیه و ضوابط آن با مجازات‌های ضد حقوق بشری شهروندان آن کشور روبه‌رو شود و به ارزش‌های ذاتی انسان آسیب رساند و این پارادوکسی است که بیش از هر زمان دیگری اعتبار نهادهای حقوق بشری در جهان را تضعیف کرده است. در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که چرا اساساً کسانی مدعی حمایت و اجرا هستند که به باشگاه غرب تعلق دارند؟ یعنی: همان دولت‌هایی که قبل از نیمه دوم قرن بیستم، استعمار و استثمار را در جهان، تولید، مدیریت و راهبری می‌کردند. چرا هنگامی که پای حقوق شهروندی و حقوق بیگانگان در سرزمین‌های آنها به میان می‌آید، تبصره‌ها و تفسیرهای گوناگون برای طفره رفتن دولت‌های غربی از رعایت این حقوق، تولید و اشاعه می‌یابند؛ ولی اجرا و رعایت همین حقوق برای سایر دولت‌ها، همواره امری و الزامی به حساب می‌آید؟ به گونه‌ای که به حازه می‌دهند برای تضمین این حقوق، ظرفیت‌های ملی و بین‌المللی را علیه این دولت‌ها بکار گیرند و هرگونه فشار سیاسی و اقتصادی و همچنین تهدید نظامی مستقیم و غیرمستقیم را حق خود بشمارند. به این معنی که: حقوق بشر خوب است، ولی برای دیگران نه. نه حقوق بشر بد است، برای صاحبان قدرت. این رفتار دوگانه غرب گواه گرفتاری سیاسی مسئله حقوق بشر است که با سوء استفاده قدرتمندان از آن به عنوان حربه‌ای برای باج‌خواهی از - که کشورهای مستقل و فشار به آنها استفاده می‌شود. همانطور که مقام معظم رهبری می‌فرماید: «موضوع حقوق بشر مثل ابزاری در دست قدرت‌های جهانی است، تا اگر دیدند دولت با نظرات آنها مخالفت می‌کند، آن دولت را - و اگر لازم شد آن ملت را - متهم کنند

نکته جالب‌تر آنکه، سوء استفاده قدرت‌های بزرگ از حقوق بشر فقط به بهانه‌تراشی و تحت فشار قرار دادن دولت‌های دیگر محدود نشده و سکوت در برابر نقض حقوق بشر در حکومت‌های متحد این قدرت‌ها را نیز در بر می‌گیرد. قدرت‌های غربی بزرگترین و هولناک‌ترین جنایات را به نام حقوق بشر مرتکب می‌گردند. آنچنان که جرج جرداق نویسنده مسیحی می‌گوید: «دولت‌های بزرگ و عضو سازمان ملل به بهانه

نگهداری از حقوق بشر و کوشش در جهت نهادینه شدن آن، آن را لگدمال ساخته و در پس پرده حمایت و اجرای آن، به نقض آن می‌پردازند.» این قدرت‌های بزرگ غربی با شعارهایی چون دموکراسی، آزادی، عدالت اجتماعی و بهبود وضعیت حقوق بشر یا اعتلای حقوق زنان و کودکان و... بزرگترین و وحشیانه‌ترین جنایت‌ها را علیه بشریت مرتکب شده‌اند که در ورای آن، اهداف اقتصادی و استعماری خود را دنبال می‌کنند. همین موارد موجب شده تا این سازمان‌ها از چارچوب‌های در نظر گرفته شده خارج شوند و نتوانند به اهداف از پیش تعیین شده دست یابند و ناکارآمدی آنها را به همراه داشته باشد. تازمانی که این رفتارهای یکسویه و جانب‌گرایانه در این نهادها جریان داشته باشد؛ هرگز به اهداف اصلی حقوق بشر، تساوی جهانی و عدالت همگانی دست پیدا نخواهیم کرد.

به‌طور کلی می‌توان گفت؛ نوع نگاه حقوق بشری غرب در مجموع، نگاهی صادقانه نبوده و علاوه بر اشکالات مابین‌المللی، حتی با همان معیارهای غربی حقوق بشری نیز مصادیق نقض حقوق بشر یکسویه است و برخورد و استانداردهای دوگانه بر این نگاه حاکم است. همین این امر موجب شده تا دفاع دولت‌های مستقل از هویت ارزشی و فرهنگی‌شان تخریف محسوب شود و معیار جهانی به حساب آید. این موقعیت نهایتاً به بستر هدایت و طرح‌ریزی جنگ نرم تبدیل می‌شود. در جنگ نرم به جای اشغال و تصرف نظامی سرزمین، هویت و آرمان‌های مردم سرزمین مورد نظر و قلوب و اذهان آنها تسخیر می‌شود و سلطه مستقیم و بیرونی، جای خود را به سلطه نامحسوس و از طریق افکار تحمیلی و مردمان سلطه‌پذیر می‌دهد. می‌توان گفت جنگ نرم، تلاشی سازماندهی شده با رویکردهای چند بُعدی و چند وجهی است که تمام حوزه‌های مختلف یک نظام سیاسی را مورد آماج خود قرار می‌دهد. در واقع می‌توان گفت جنگ نرم همین اقدامات روانی، تبلیغاتی و رسانه‌ای است که جامعه ما را نشانه گرفته است تا افکار عمومی دنیا را در مسئله نقض حقوق بشر در کشورمان با خودش همراه کند.